

نگاه مسوول

مجیدسرسنگی

زمان خالی نداشتیم

■ این روزها مسایل زیادی دربارہ خانہ هنرمندان مطرح شدہ است، ندانن مکان برای برگزاری جایزہ ہدایت کہ معمولاً در اواخر بہمن و اوایل اسفند برگزار می‌شود. بہ گفتہ چہانتہیگر ہدایت بعد از اینکہ مدیرعامل خانہ هنرمندان برای برگزاری این اتفاق اعلام آمادگی می‌کند و درخواست از سوی برگزار کنندگان این بنیاد دادہ می‌شود بہ سرعت با جواب منفی رویہر می‌شود. در این بارہ مجیدسرسنگی بہ شرق می‌گوید: «ہامتولی دادن مجوز نیستیم بلکہ طبق اساسنامہ خانہ هنرمندان موظف ہستیم از ہر حرکتی متناسب با اهداف خانہ هنرمندان و بہحسب توانمان حمایت کنیم. بنابراین، اگر با برنامه موافقت نشدہ است بہ این دلیل است کہ سالن خالی نداشتیم.در حال حاضر ما تنها یک سالن خالی داریم و در حال تبدیل یک سالن دیگر بہ سینما ہستیم.»

وی در پاسخ بہ اینکہ ۸۰ روز تا آن زمان فاصلہ بودہ است و چہ طور در این مدت برای برگزاری یک برنامه وقت نداشتید می‌گوید: «نہ واقعاً وقت ندارم. در بہمن و اسفند بہ دلیل برگزاری جشنوارہ فیلم و تصویر خیلی مکان در اختیار نداریم و فکر کنم تا فروردین واردبہشت نیز برنامه‌ہا ہمہ تنظیم شدہ است و هیچ جای خالی نباشد.» این مدیر درباره اینکہ مگر نمی‌شود بین برنامه‌ہا اہم و مہم کرد و بہترین‌ہا را انتخاب کرد تاکید می‌کند: «تمام برنامه‌ہا برگزار شدہ در خانہ هنرمندان برنامه‌ہای فاخر ہستند، ہرکسی بہ اینجا برنامہ‌ہای پیشنہاد می‌کند معتقد است، بہترین برنامه را می‌خواہد بر گزار کند.»

وی ابراز امیدواری کرد کہ در آیندہ چند سال بہ خانہ هنرمندان اضافہ کنند و امکان اجرای برنامه‌ہای مختلف برای هنرمندان بیشتر باشد.

دور ایران

■ در دومین دورہ جشنوارہ فیلم کوتاہ سینتا ۲۰ فیلم ساختہ کودکان و نوجوانان در روز در تاریخ اول و دوم دی بہ نمایش گذاشتہ خواهند شد. این جشنوارہ بہ طرح ساختہ‌ہای سینمایی کوتاہ کودکان و نوجوانان ہشت تا ۱۶ سالہ خواہد پرداخت و ہمانی چہار نفرہ بہ مشکل از خسرو سینایی، عزیزاللہ حاجی‌مشہدی، مصطفی خرقہ‌پوش و مہران سپہران آثار حاضر در جشنوارہ را مورد بررسی قرار خواہند داد. این جشنوارہ بہ ہمت دپارتمان سینمای دیجیتال مجتمع فنی تہران در روزہای ذکر شدہ و در ساعت ۱۶ تا ۱۹ در خانہ هنرمندان ایران برنامہ خواہد داشت.

■ مجموعه «استان‌های شگفت‌انگیز»: از داستان‌های ادگار آلن پو با ترجمہ «حسن صدر حاج‌سیدجوادی» و «دانشجو» بعد از ۶۵ سال تجدید چاپ شد. این مجموعه داستان‌های نخستین بار در سال ۱۹۵۵ از سوی حسن صدر حاج سید جوادی و د دانشجو در پاریس ترجمہ شدہ بود کہ در سال ۱۳۳۵ نیز در تہران منتشر شد. در این کتاب داستان‌هایی از آلن پو با عنوان «قلب بازگو»، «سکوت»، «میاحتہ کوچکی با یک مومیایی»، «سایہ»، «جلس ترم مرگ سرخ»، «چلیک آمونتیلاڈو»، «برنیس» و «سقوط در ماسترزوم» بہ چشم می‌خورد.

دور جهان

■ «دانیل کریگ»: بازیگر سرشناس انگلیسی برای بازی در قسمت‌های بعدی «جیمز باند» بہ توافق رسید تا رکورد بیشترین ایفای نقش این چہرہ سرشناس شکستہ شود و او کہ اخیراً برای سومین بار نقش مامور مخفی ۰۰۷ را در «سقوط آسمانی» بازی کردہ، پیشنہاد بازی در پنج قسمت آتی فیلم جیمز باند را دریافت کردہ است. این بازیگر ۳۳ سالہ در صورت قبول این پیشنہاد کہ از لحاظ مالی نیز سوسوہ‌کنندہ است، بہ رکورد ہشتاد بازی در نقش جیمز باند می‌رسد و از این لحاظ دست‌نیافتنی خواہد شد.

■ جرمی تلمس: تهیه‌کنندہ درام تاریخی «آخرین امپراتور» ساخته برناردو برتولوچی اعلام کرد در حال آمادہ کردن نسخہ سہبعدی این فیلم اسکاری و پسروصدا

دہہ ۸۰ میلادی است و این نسخہ بہ احتمال زیاد، اوایل تابستان ۲۰۱۲اکران عمومی خواہد شد.

خبر آخر

در جست‌وجوی کپی غیر مجاز «فہو تلخ»

■ در حالی کہ روابط عمومی فہو تلخ در بیانیہ‌ای اعلام کردہ است کپی‌ای کہ از قسمت ۲۶ در فروشگاه‌ہا بہ فروش می‌رسد، قاچاق شدہ است، سعید رجبی فروتن با ظاہرگہانہ و غیرمنتظرہ خولدن سرفت و کبی غیر مجاز سربال «فہو تلخ» گفت: تا این لحظہ گزارش موتقی نداشتیم تا مشخص شود، منشاء این سرقت کجا بودہ است و آیا این نسخہ سربال «فہو تلخ» از دفتر تهیه‌کنندہ یا از جای دیگری مورد دستبرد قرار گرفتہ است. مدیرکل دفتر ہمکاری‌ہای سمعی و بصری نمایش خانگی وزارت ارشاد کہ با اسنفا گفتگو کردہ، گفت: «پیش از این یک ستاد با عنوان مبارزہ با عرصہ محصولات سمعی و بصری غیر مجاز در وزارت تخلہ وجود داشت اما بہ دلیل اینکہ شاہد رایت بی‌روہ موسیقی و نرم‌افزار و بازی نیز بودیم، عنوان این ستاد، بہ ستاد مبارزہ با عرصہ محصولات غیر مجاز فرہنگی تغییر پیدا کرد. از اوایل ساعاتی کہ نسخہ کپی «فہو تلخ» متشاہد شد، این ستاد در جریان قرار گرفت «فہو تلخ» در دست بررسی و رازبینی بود و یکسی دو مرحلہ اصلاحات بہ سازندگان آن ابلاغ شدہ بود کہ این اتفاق رخ داد.»

سومین فستیوال هنر صوفیانه میزبان کمال تبریزی

شرق: سومین فستیوال هنر صوفیانہ در حالی از ۱۶ تا ۲۰ دسامبر (۲۶ تا ۳۰ آذر) در استانبول پایتخت فرہنگی ترکیہ در حال برگزاری است کہ کمال تبریزی، کارگردان ایرانی میہمان ویژہ این رویداد هنری است. این نمایشگاہ کہ بہ ہمت وزارت فرہنگ ترکیہ تدارک دیدہ شدہ، دربردارندہ چند نمایشگاہ، یک پرفورمنس، مراسم سماع صوفیانہ ضیاء عزای، سماع گر معروف و نیز جلسہ نقد و بررسی ہشت فیلم از کمال تبریزی است. بخش نمایشگاهی این رویداد هنری با حضور اسماعیل عکار، نقاش ترک در موزہ ہنرہای اسلامی ترکیہ برپا شد و طی آن نقاشی با محوریت سماع درویشان روی دیوار رفت. اما بخش سینمایی این فستیوال میزبان کمال تبریزی از ایران بود. در این شہر کہ روز گذشتہ در مرکز آموزش‌ہای ہمگانی استانبول برپا شد، ۹ فیلم از این کارگردان روی پردہ رفت و ہمزمان جلسہ نقد و بررسی آثار این کارگردان با حضور جوانان و منتقدان سینمای ایران برپا شد. نمایش این فیلم‌ہا

شرق: در حالی کہ در تازہ‌ترین آماری کہ از سوی روابط عمومی تئاتر شہر منتشر شدہ، حاکی از فروش خوب نمایش‌ہای محیطی است کہ در فضای تئاتر شہر اجرا شدہ، نمایش «فسانہ بیر» کہ یکی از دو نمایش اجرا شدہ در این فضا بود با دستور شورای نظارت و ارزشیابی متوقف شدہ است. توقف این نمایش در حالی صورت گرفتہ کہ مدیر تئاتر شہر می‌گوید، این نمایش تعداد توافق شدہ اجرائیش را بہ پایان بردہ و باید گرورہ دیگری جایگزین آن شدہ. ہرچند بعداً مشخص شد کہ این نمایش بہ دلیل پارہای مشکلات رازبینی متوقف شدہ است. این نکتہ‌ای است کہ «ہدایت ہاشمی» بازیگر این نمایش با ابراز گلہ اعلام کردہ و گفتہ اعلام می‌کند دیگر برای رازبینی این نمایش نمی‌روم.

این بازیگر تئاتر و سینما در حاشیہ نشست خبری نمایش «پر تور» آثار گروه تئاتر دن کیشوت با رونمایی از محسن» کہ از توقف اجرای نمایش «فسانہ بیر» ادامہ داد: «بیزر آقای الوند عضو شورای ارزشیابی و نظارت بہ یکی از سایت‌ہا اعلام کردہ چہ کسی لفظ توقیف را برای نمایش «فسانہ بیر» بہ کار بردہ است؟! ظاہراً پیامدہای این واژہ برای ادارہ کل ہنرہای نمایش طوری است کہ ہمہ از گان‌ہای وابستہ بہ این ادارہ را بہ این سمت سوق می‌دہد کہ از این واژہ استفادہ نکنند. آقای الوند توپ را بہ زمین تئاتر شہر پرتاب کردہ در حالی کہ رئیس این مجموعہ نامہ درخواست برای تمدید اجرای ما را زیہ کردہ بود، چون نمایش

در گذشت نویسنده فعال ادبیات کودک

مہر: پیکر ناصر خوشبخت از نویسندگان پیشکسوت ادبیات کودک و نوجوان در قطعہ ۳۰۹ بہشت زہرا بہ خاک سپردہ شد. بنا بر اعلام انجمن نویسندگان کودک و نوجوان کہ وی از اعضای آن بود، ناصر خوشبخت فعالیت حرفہ‌ای و مستمر خود را در ادبیات کودک و نوجوان از ابتدای دہہ ۴۰ آغاز کرد.

ادب‌و‌هنر

تور نمایشگاهی عکس‌های ایران در ۵۰ کشور دنیا

شرق: یکی از انتقادهای جدی بہ موزہ ہنرہای معاصر طی چہار، پنج سال گذشتہ، عدم برپایی نمایشگانہای مہم در عرصہ بین‌المللی بودہ است. ہر چند مسوولان تجسمی نظر دیگری دارند و معتقدند تا بہ امروز دیپلماسی هنری فعالی را در پیش گرفتہ‌اند، اما خروجی کار، حکایت از چیز دیگری داشته. حالا خبر می‌رسد کہ موزہ درصدد برپایی یک نمایشگاہ عکس‌ہای چند سال اخیر در ۵۰ کشور جهان است. این خبر در نوع خود، می‌تواند حاکی از اہمیت یافتن دیپلماسی هنری در عرصہ بین‌المللی برای مسوولان موزہ باشد. بنا بہ صحبت‌ہای محمود شالویی، رئیس دفتر ہنرہای تجسمی، تا این لحظہ برپایی این نمایشگاہ در کشورہای اتریش، ایتالیا، آلمان، فرانسہ، کاناد، لهستان، سوئد، سوئیس، روسیہ، تایلند، ترکیہ، قبرقستان، کرہ جنوبی، ارمنستان، جمہوری آذربایجان، البانی، آفریقای جنوبی، تر کمستان، لبنان و کویت قطعی شدہ و قرار است طی چند روز آیندہ مکان مناسب برای برپایی این

هنرمندان پشت درهای توقف نمایش

وعده مساعدت با چاشنی درهای بسته و انتظارهای طولانی

صفر عزاداری کنیم باید تکلیف معلوم باشد.اگر قرار است در این دو ماہ ہفت شبکہ تلویزیونی بر فک پیش کنند باید اعلام کنند. اگر قرار است تئاتر بہ همان میزان قبلی تعطیلی تاسوعا و عاشورا داشته باشد، باید ادارہ کل ہنرہای نمایشی رسماً اعلام کند.» البتہ بہ نظر می‌رسد کہ براساس رازبینی‌ہای انجام شدہ مسوولان قول مساعد برای ادامہ اجرا را بہ «فسانہ بیر» دادہ‌اند؛ قولی کہ از روز گذشتہ بہ گرورہ اجرائی نمایش خشکسالی و دروغ ہم درآدہ شد. این نمایش کہ روز پنجشنبہ بہ دستور سرپرست مرکز ہنرہای نمایشی متوقف شدہ است، روز یکشنبہ با حضور سرپرست مرکز ہنرہای نمایشی، رئیس شورای نظارت و ارزشیابی و مدیرعامل خانہ هنرمندان رازبینی و اعلام شد کہ موارد اعلام شدہ رعایت شدہ است و نمایش می‌تواند بہ صحنہ برسد، اما مجوز جدید باید با طی روال اداری صادر شود و بہ همین دلیل نمایش از اجرای روز یکشنبہ ہم با ماند اما تا پایان وقت اداری روز دوشنبہ نیز هنوز اجازہ اجرای نمایش در اختیار تماشاخانہ ایرانشہر قرار نگرفتہ بود و گرورہ اجرائی سرگردان برای اجرای نمایش بودند. البتہ نکتہ قابل توجہ این است کہ محمد دشت‌گلی کہ روز یکشنبہ اعلام کردہ بود نمایش مشکل دیگری ندارد و می‌تواند بہ صحنہ برود، روز دوشنبہ پاسخ هیچ تماسی را نداد و دفترش بہ طور مداوم اعلام کرد کہ ایشان در جلسہ ہستند. البتہ یک نفر در دفتر ایشان گفت کہ دشت‌گلی سہ روز است کہ برنامہ‌ہای خود را تعطیل کردہ و بہ دنبال کارہای خشکسالی و دروغ است.

وودی آلن: آدم بدبینی هستم

شرق: «وودی آلن» درحال ساخت جدیدترین پروژه فیلمش با نام «تصویر غلط» در رم ایتالیاست. وی گفت: ہر فیلم جدید برای من فرصتی تازہ است کہ بتوانم یک «شہرہ‌زد کین» خلق کنم. در واقع ایدہ ناب ساخت فیلم در یک لحظہ برای من اتفاق می‌افتد. اما هیچ‌وقت بہ یک شاہکار جهانی تبدیل نمی‌شود.

مہدی غبرایی و ترجمہ از مورا کامی

ایسنا: مجموعه «چاقوی شکاری» از داستان‌های هاروکی مورا کامی با ترجمہ مہدی غبرایی منتشر شد. همچنین ترجمہ این مترجم از رمان «سرزمین عجایب بی‌رحم» بہ دنیا«ی» این نویسنده ژاپنی مجوز نشر گرفت. این مجموعه از یک مجموعه داستان بہ اسم «ہید کور و زن خفتہ» انتخاب شد است.

دیدن تعادل همیشه لذت‌بخش است

عقیقی: اساساً قرارداد آن چیزی نیست کہ جایی ثبت می‌کنید یا روی کاغذ می‌آورد. قرارداد بستن یعنی قانونی کردن آن. نکته مہم این است آن چیزی کہ شما آن را بہ‌عنوان خیانت مطرح می‌کنید چیزی است احساسی کہ در درون دو نفر است و ربطی بہ آن چیزی کہ امضا کردہ‌اند ندارد. شما نمی‌توانید برای یک تعہد اخلاقی قانون درپیاورید و گرنہ تمام قراردادہا باید اجرا شود، چون ہمہ متعہد ہستند. آن چیزی کہ بہ‌عنوان خیانت مطرح می‌کنید پنهان کاری است. جفری میبرز در تحلیل سانسٹ بلوار بیلی وایلدر بہ این نکتہ مہم اشارہ می‌کند کہ شخصیت اصلی، یک رابطہ پنهان را آغاز می‌کند و قراردادش درست است، اما وقتی می‌خواہد قرارداد را براساس عہد جلدانش، بہ ہم بزند، ترازوی خودش رقم می‌خورد. وایلدر از این نظر بی‌تغیر است. درام وقتی شکل می‌گیرد کہ کوششی از چند سوی یک رابطہ، برای برہم زدن وضع موجود، شکل می‌گیرد. آدم‌ہا نمی‌توانند یا می‌ترسند بہ شکل آشکار، این رابطہ را بہ ہم بزنند، بنابراین، پنهان کاری بہ وجود می‌آید تا، وقتی بہ خودشان خیانت می‌کنند کہ حقیقت را نمی‌گویند، کسی اعتراضی ندارد. ظاہراً اصلاً اسمش خیانت نیست، اما وقتی جلورہ بیرونی پیدا می‌کند، انگار تفسیرش ہم عوض می‌شود.

■ **اما انگار هیچ گریزی از آن نیست، راه عبوری ہم برای آن نیست، ظاہراً در نگاه آقای یعقوبی این جور**ی است. **یعقوبی:** مسلماً دوست دارم این‌طور نباشد. انقدر ہم نامید نیستم کہ فکر کنم ہمیشہ ہمین‌طور است و امیدوارم، ای کاش این‌طور نباشد. در نمایش من این فقط در رابطہ زن و شوہری نیست، در رابطہ دوتا دوست ہم هست. لحظاتی کہ امید و آرش با ہم دردول می‌کنند آرش شو کہ است. **عقیقی:** افتد. یعنی تغییر عادت و قرار داد. **■ برای اینکه قراردادی بستہ شدہ است.**

معادی: بستہ شدہ است، چون بین دو دوست یک قرارداد هست، بین دو ہمکار قرارداد هست. مثل یک کارگردان بزرگ، با مثل یک سیاستمدار کہ باید بہ یکسری قرارہا عمل کنند. پنهان کاری یا بیان نکردن بخشی از حقیقت، کہ سبب می‌شود برخلاف مسیر تعہدی کہ باید بہ آن عمل کنید بررود بہم، اینہا خیانت می‌شود.

■ **عقیقی:** سوال آخر، هنوز بہ نظر تان امید آدمی هست کہ دوبارہ ہم شعرها را بخواند؟

یعقوبی: این را یک وضعیت ایرانی می‌بینم، من با خودم می‌گفتم ہمہ ما با شعر بہ دنیا آمدیم، اما از آن دور شدیم. شعر می‌تواند ارزش‌ہا را یادآوری کند، احساس انسان را لطیف کند. «امید» ہم مثل ہر ایرانی دیگری در بخشی از زندگی‌اش ہمراہ شعر بودہ است و ہرچہ پنهان کاتر می‌شود از شعر دور می‌شود و در واقع بہ شعر ہم خیالت نمی‌کند. ■ **عقیقی:** سوال آخر، هنوز بہ نظر تان امید آدمی هست کہ دوبارہ ہم شعرها را بخواند؟

یعقوبی: این را یک وضعیت ایرانی می‌بینم، من با خودم می‌گفتم ہمہ ما با شعر بہ دنیا آمدیم، اما از آن دور شدیم. شعر می‌تواند ارزش‌ہا را یادآوری کند، احساس انسان را لطیف کند. «امید» ہم مثل ہر ایرانی دیگری در بخشی از زندگی‌اش ہمراہ شعر بودہ است و ہرچہ پنهان کاتر می‌شود از شعر دور می‌شود و در واقع بہ شعر ہم خیالت نمی‌کند.

کلبہ کوچکمن

بوسہ بر دست قاضی (۱۰۲)

اردشیر خرمنکوب

■ درست رویہروی کلبہ کوچک ما، کلبہ‌ای است کہ در آن سہ نفر نگہداری می‌شوند: یکی از دوستان جوان و یکی از همکاران مرد زمین‌دوست و جوانی کہ سی‌دوسہ سالہ است و کسی او را نمی‌شناسد. این چہار آشنا، ہر از گاہ، از دریچہ باریک پایین در، علامت‌ہای بہ ہم ردوبدل می‌کنند و از حال و وضع ہمدیگر خبردار می‌شوند. زمین‌دوست درباره ہمکاری می‌گوید، او کارش را از فروش کنسرو و شامیو شروع کرد. در یک فروشگاه اداری، بعد ہماکاری چند نفر بہ یک شرکت ساختمانی راہ یافت. شرکتی کہ قرار بود برای کارکنان همان ادارہ، منزل مسکونی بسازد. با زدنوبند عضو ہیأت مدیرہ شد، و کمی بعد، با ہم با زدنوبند، بہ ریاست ہیأت مدیرہ آن ادارہ رسید. این مرد، اکنون ۶۳ سالہ است. از ریاست او حدوداً ۱۳ سلال می‌گذرد. در این ۱۳ سال بہ ہر دوز و کلکی کہ فکرش را بکنید، دست بردہ است تا بہ ثروت کلان برسد. ثروتش انقدر زیاد است کہ من شخصاً حسرتش را دارم. در این ۱۳ سال، بہ جرات می‌گویم شاید ۱۳ قاضی صاحبمان را نمک گیر خود کردہ است. ۱۳۰ پلیس برتر را بہ زیر کشیدہ و بہ پالیسی خود آوردہ پنج اتومبیل قیمتی کنسور از آن اوست. کلی آدم و بزں بہادر و کار چاق کن و دلال و آدم خلاف دارد. در بیرون از اینجا، بہراحتی نمی‌توانستید او را ملاقات کنید. سیکتہ کہ می‌خواست بکشد، ۱۰ تا فک تانک برایش روشن می‌شد. خانہ‌ای مخصوص عیش‌ونوش و کیف دارد. روزی یک دست لباس، روزی یک ادکلن، روزی یک کروات، روزی یک شال گردن، روزی یک دختر. اسمش Smithly است. او پروازتر، پسرش Mourty است. خاخی نبودہ و نیست و این پدر و پسر مرتکب نشدہ باشند، ارتباط من (زمین‌دوست) با این پدر و پسر از فروش زمین آغاز شد. من زمینی را کہ وجود خارجی نداشت بہ آنہا فروختم. آنہا همان زمین را کہ می‌دانستند وجود ندارد، از من خریدند تا برای کارکنان آن سازمان، خانہ مسکونی بسازند. این دو از من بسیار زیرکترند. انقدر خانہ بدون سند و حتی خیالی بہ کارکنان و سایر مردم فروختند کہ اکنون گرفتار یک میلیار دلار گرفتارند. خانہ‌ہای را فروختہ‌اند کہ نہ ساخته شدہ و نہ معلوم است در کجای کرہ زمین قرار است ساخته شود.

از مرد زمین‌دوست می‌پرسم: پسر Smithly آزاد است؟

می‌گوید: نہ، او ہم در یکی از کلبہ‌ہای اینجااست. روزہای اولی کہ Smithly را بہ اینجا آوردند، خیلی بی‌تاب بود و با صدای بلند گریہ می‌کرد. پسرش دست پدر را در زرنگی و خلافکاری از پشت بستہ است. این پسر، خانہ بسیار مجللی برای عیش‌ونوش خود دارد کہ دیدنی است، و حال آنکہ ہمسری دارد و زندگی مفصلی، در این خانہ عیش‌ونوش، از ہر چہ کہ بہ فکر تان برسد، برای لذت و کامجویی بہرہ می‌برد. ثروتی کہ این پدر و پسر بالا کشیدہ‌اند، صد نفر مثل مرا تر، و خشک می‌کند. زمین‌دوست در لایہ‌ای تعریف از پدر و پسر، چند فحش درشت نثار آنہا می‌کند: نامرده‌ای بی‌شرف، از پشت بہ من خنجر زدن، چیزہایی علیہ من گفتہ‌اند کہ واقعیت ندارد. من نمی‌گویم خلاف نکردم، اما نہ بہ اندازہ‌ای کہ این دو درباره من گفتہ‌اند. مگر دستم بہشان نرسد.

و ادامہ می‌دہد: گرچہ اگر دستم ہم بہ آنہا برسد، پیش از آنکہ کاری بکنم ترتیب مرا می‌دہند. و ادامہ می‌دہد: Smithly یک میلیون دلار بہ یکی دادہ بود برای کشتن پنج نفر. یکی از این پنج نفر بزرگ‌ترین قاضی لس‌آنجلس است. این قضی را م Smithly نام می‌دہد: اگر کشتن آن پنج نفر ہر چہ روزتر در دستور کار قرار می‌گرفت، ما سالن اینجا نبودیم. همان قاضی بی‌شرف متہ زد بہ کار ما و ما را کشتاد اینجا.

مرد زمین‌دوست، قاضی بی‌شرف را زیر آواری از ناسزہای تلخ خود دفن کرد و ہر همان ویرانہ، با بساط زمین‌خواری خود کانی برآورد و ہمہان کاخ را رو بہ آسمان بالا برد. من اما، از همان کلبہ کوچک، دست آن قاضی را بوسیدم و بہ شرافت او آفرین گفتم.

یک اتفاق سادہ

ابلاغ شہر دار

برای ساماندهی محوطہ تئاتر شہر

■ ایسنا: معاون فرہنگی اجتماعی شہرداری تہران از ابلاغ شہردار تہران برای بررسی دقیق و جامع ساماندهی محوطہ مجموعہ تئاتر شہر و سازہ جدید احداث‌شدہ توسط شرکت مترو در این محوطہ فرہنگی خبر داد. محمدصادی ابازی در دیداری کہ از مجموعہ تئاتر شہر انجام داد با اعلام‌ای خبر افزود: مسوولان شہرداری تہران مجموعہ تئاتر شہر را بہ عنوان میراثی ماندگار می‌دانند کہ حفظ و حراست از آن جزو وظایف اصلی ماست، بنابراین تمام تلاش خود را انجام می‌دہیم تا فضای این مجموعہ برای اجرای برنامه‌ہای نمایشی شکل کاربردی‌تری بہ خود بگیرد. معاون فرہنگی اجتماعی شہردار تہران با اشارہ بہ ساخت و سازہای شرکت مترو در محوطہ مجموعہ تئاتر شہر ہم گفت، شہروندان تهرانی انتظار دارند شبکہ حمل و نقل عمومی در مواجہہ با آلودگی‌ہای زیست‌محیطی توسعہ پیدا کردہ و روی آن سرمایہ‌گذاری شود. ضمن اینکہ مجموعہ تئاتر شہر ہم یکی از مجموعه‌های ماندگار هنری است کہ هنرمندان فرہیختہ با تمام مشکلات آثار نمایشی را بہ مخاطبان ارایہ می‌کنند بنابراین لازم است در حفظ و نگہداری آن ہم نہایت تلاش را داشتہ باشیم.